

«واژه‌ها پا ندارند،

اما راه می‌روند»

خطوط ارتباطی قارهٔ افریقا بر پایهٔ احترام
به گفتار استوار است

یوسف تاتاسیسه

قدیمی‌ترین خدایان دورهٔ فراعنهٔ مصر — مانند پس، غزال افریقایی، کرکس، لک‌لک مصری، شاهین و ابوالهول — هنوز هم در مالی ستایش می‌شوند و مردم نقابها و مجسمه‌های کوچک آنها را دارند. نبود خط و نوشتار، مانع گسترش دانش نمی‌شد. احترام فوق‌العاده به واژه‌های گفتاری در افریقا به این معنی بود که گفتار، کانال مهمی برای انتقال دانش و عقاید محسوب می‌شده است. به همین دلیل است که مردم بامبارای مالی می‌گویند: «واژه‌ها پا ندارند، اما راه می‌روند.» هیچ چیز نمی‌تواند آنها را متوقف کند.

■ سفرهای پاگشایی در گسترش عقاید نقش داشته‌اند؟ — پاگشایی چیزی بیشتر از مشت‌نیایشوارهٔ «خارجی‌پسند» است. این کار یک آموزش عمومی است که از شش سالگی شروع می‌شود و در حدود سی و سه سالگی خاتمه می‌یابد. پاگشایی، از نظر سنتی توسط شش انجمن انجام می‌شد که تازه‌واردها یکی بعد از دیگری، براساس سن و دانشی که کسب کرده بودند، در آنها جای می‌گرفتند. آنها همه چیز می‌آموختند: تاریخ، منشأ اقوام، زبانها، ریاضیات، دانش فنی، اخلاقیات و اسرار طبیعت و جهان. طی این یادگیری دربارهٔ زندگی، لازم بود تازه‌واردهای جوان سفر کنند و همراه معلمان، نوازندگان، رقصندگان و صنعتگران خود به سرزمینهای بیگانه بروند. آنها با مردم محلی هم‌خانه می‌شدند و شیوه‌های نوین زندگی، حرفه‌های جدید و زبانهای تازه را یاد می‌گرفتند و به نوبت، نمایشهایی ترتیب می‌دادند که در آنها، دانش خود را نشان می‌دادند. این بهره‌گیری دوجانبه بود. آنها فقط زمانی به خانه بازمی‌گشتند که سه زبان را یاد گرفته بودند. این خود نشانگر اهمیتی است که برای دانش و احترام به دیگران قائل می‌شده‌اند. امروزه این مسافرت‌های پاگشایی در فصل خشک انجام می‌شوند، ولی در

■ در جوامع سنتی افریقایی، انتقال دانش شفاهی صورت می‌گرفت. آیا این امر گسترش عقاید را محدود می‌کرد؟ — خبر، ابداً. در افریقا، عقاید با مردم سفر می‌کردند. مهاجرت افراد، سفرهای پاگشایی، فتوحات و راههای تجاری، مسیرهایی را به وجود آوردند که در آن عقاید با یکدیگر تلاقی می‌کردند. افریقاییها از دوران قدیم، در نقل مکان بوده‌اند و دانش، فن‌آوری، اعتقادات، سنتها و زبانها را با خود جابه‌جا کرده‌اند. چه توجیه دیگری در مورد این حقیقت می‌تواند وجود داشته باشد که شخص، اندیشه‌نگارهایی را به صورت خال‌کوبی شده بر بدن زنان مراکشی می‌یابد و همانها را بر مجسمه‌های مردم بامبارا و مالینکه در جنوب افریقا هم می‌بیند؟ چگونه می‌توان وجود اسامی مکان مشابه، خدایان مشابه، آداب مشترک و آلات موسیقی مشابه را در درهٔ نیل و غرب افریقا توجیه کرد؟ مطالعات تطبیقی دربارهٔ خویشاوندی بین مصر دوران فراعنه و بعضی از زبانهای افریقایی که توسط نویسندهٔ برجسته و مصرشناس سنگالی، شیخ آنتا دیوپ، صورت گرفته، و بررسیهای او دربارهٔ مهاجرت‌های افراد که بر داده‌های ناب زبان‌شناختی مبتنی بوده، مطالب زیادی دربارهٔ این جریان عقاید در افریقا در اختیارمان قرار می‌دهد.

در سنت‌های شفاهی مردم سونینکه و مالینکه بارها نام درهٔ نیل، که آن را سرزمین آباء و اجدادی خود می‌دانند، آمده است. من در این باره کنجکاو شدم و تحقیقی دربارهٔ نام مکانها و نام اقوام انجام دادم و نزدیک به چهارصد اسم در مصر، سودان و اتیوپی یافتم که در غرب افریقا نیز وجود داشتند. چند نمونهٔ آنها عبارت‌اند از: القنطره در مصر، و کانتارا، نام یک قبیلهٔ سونینکه و اسم کوچک؛ سگالا، نام جزیره‌ای در دریای سرخ و نام چند جزیره در مالی و ساحل عاج؛ داکار در اتیوپی و داکار، پایتخت سنگال. ضمناً



جوانان سنو، پس از انجام مراسم باگشایی ورود به زندگی بزرگسالی به دهکده خود برمیگردند (ساحل عاج).

صورت شعر ضبط شده و موسیقی روی آن گذاشته شده است. برای مثال، گریوهای کِلا، هر ساله به مدت یک ماه آن را در شبهای پنجشنبه تا جمعه و شنبه تا یکشنبه و یکشنبه تا دوشنبه، تماماً به مدت ۱۰۰ ساعت از حفظ نقل می‌کنند.

گریوها، سیاحان خوبی نیز هستند. آنها مجبورند برای گذراندن دوره‌های آموزشی، استادان مختلفی را ملاقات کنند و در این میان، در حالی که بر دانش خود می‌افزایند، آن را انتقال نیز می‌دهند.

برای آگاهی از مسافتهایی که آنها طی می‌کنند، اجازه بدهید نمونه نسبتاً اخیر را نقل کنم. در سال ۱۹۴۶، در پایان جنگ جهانی دوم، گریوها، باماگورا ترک کردند و پیاده از نیامی به آگادز در نیجر - به عبارت دیگر مسافتی معادل ۴/۰۰۰ کیلومتر - رفتند تا در تمجید از RDA (The Rassemblement Democratique Africain) که یک جنبش سیاسی غرب آفریقا بود، پیروزی ژنرال دوگل، لغو کار اجباری و ۴۴ ساعت کار در هفته ...؛ آواز بخوانند. و با این شیوه، عقاید سیاسی از طریق آوازهایی که گریوهای بیسواد می‌خواندند، انتشار می‌یافتند.

■ شما اشاره کردید که در نتیجه فتوحات، عقاید هم انتشار می‌یافتند.

— بله، زیرا وقتی جنگجویان، فتح یک قلمرو جدید را آغاز می‌کردند، رهبران مذهبی، استادان باگشایی، گریوها و آهنگرها، آنان را همراهی می‌کردند. تمام گروههای استادکار - گنجینه‌های اصلی سنت - در میان همراهان آنها بودند. این افراد، جامه‌ها، زیورآلات و جواهراتشان را همراه خود می‌بردند. آنها دانش خود را با دانش مردمی که سرزمینشان را فتح کرده بودند، مبادله می‌کردند و تمدنهای جدیدی در نتیجه این برخوردها به وجود می‌آمد.

در زمان صلح، عقاید در نتیجه روابط رسمی بین جوامع مذهبی و فرهنگی مختلف منتشر می‌شد. مورد مانسا موسای اول را در نظر می‌گیریم که بین سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۳۷ بر امپراتوری مالی حکمروایی می‌کرد. می‌گویند وقتی او برای زیارت مکه رفت، همراهانش متشکل از ۶۰/۰۰۰ باربر، ۱۰/۰۰۰ شهروند، و ۵۰۰ خدمتکار بودند. تمکن و گشاده‌دستی او را در طول اقامتش در قاهره نه فقط مصری‌ها، بلکه ایتالیایی‌ها، پرتغالی‌ها و اهالی شمال آفریقا نیز یادآوری کرده‌اند. به این ترتیب درهای جدیدی برای مبادلات تجاری و فرهنگی باز شد.

■ چگونه اسلام به مالی راه یافته و چه تأثیری داشته است؟

— مالی در میان کشورهای اسلامی غرب آسیا، پیشتازترین است. بنابر روایات مردم سونینکه، اسلام حدود سال ۶۶۶ توسط فرستادگان اوکبا بن نافی

گذشته هفت سال طول می‌کشیدند.

■ گریوها (نقلان و استادان مراسم) و دونی کیا (معلمان) چه تأثیری می‌گذاشتند؟

— در بامبارا دونی به معنای «دانش» است و دونی کیا «سازندگان دانش» هستند. و نیز دوما یا «داننده» و سوما یا «روحانی» را داریم. این استادان، حافظه خارق‌العاده‌ای دارند، و پاسداران و اشاعه‌دهندگان سنت هستند. در گذشته، مقام اجتماعی آنها به قدری بالا بود که در دوران جنگ از مصونیت سیاسی برخوردار بودند.

در دوران درگیریها، استادان کلام شفاهی، گریوها، به عنوان مذاکره‌کنندگان و سفیران عمل می‌کردند، درست مانند آهنگرها، چوب‌برها و شکارچیان که به خاطر مهارت دستی و دانش خود شهرت داشتند. این استادان نیز مانند نوازندگان، شاعران، تبارشناسان و تاریخدانان، نقش مهمی در گسترش عقاید ایفا می‌کردند. این «نغمه‌سرایان دوره‌گرد» از طریق نوعی فن دیداری کردن که آنها را قادر می‌ساخت هر اسمی را مصور سازند، تبارنامه کامل خانواده‌ای را که به آن وابسته بودند و نیز اعمال مهمی را که اجداد آن خانواده انجام داده بودند، از حفظ می‌دانستند. بعضی از آنها در گذشته، تاریخ کامل یک گروه نژادی یا کل یک پادشاهی را می‌دانستند و هنوز هم می‌دانند. تاریخ مالی به

برای اینکه برگردیم به بحث معماری، باید اضافه کنیم که در دوران استعماری، تلفیقی از سبک سنتی و سبک اروپایی به وجود آمد که «معماری استعماری» نامیده شده است. این سبک اکثراً در ساختمانهای اداری، فروشگاهها و دفاتر پستی در مالی، موریتانی، بورکینافاسو و نیجر دیده می شود.

■ آیا مستعمره سازی راههای نوی برای انتقال عقاید در افریقا باز کرد؟

— مستعمره سازی وقفه ای در تداوم ایجاد کرد. همه ابعاد جامعه سنتی متلاشی شد. تاسیس مدارس فرانسوی و رسمی شدن زبان فرانسه، نظام آموزشی سنتی را نابود کرد. فقط مکتبهای قرآنی به کار خود ادامه دادند. تمام ساختمانهای سنتی در هم ریختند. رهبران مذهبی مورد اتهام قرار گرفتند و به مراسم اهداف مذهبی برچسب شیطانی زده شد. کسانای تثبیت شده برای انتقال دانش و عقاید، مسدود شدند. استفاده از طلبهای گویا یا پیام آور ممنوع گردید.

یک گریو در کارامانس (سنگال).



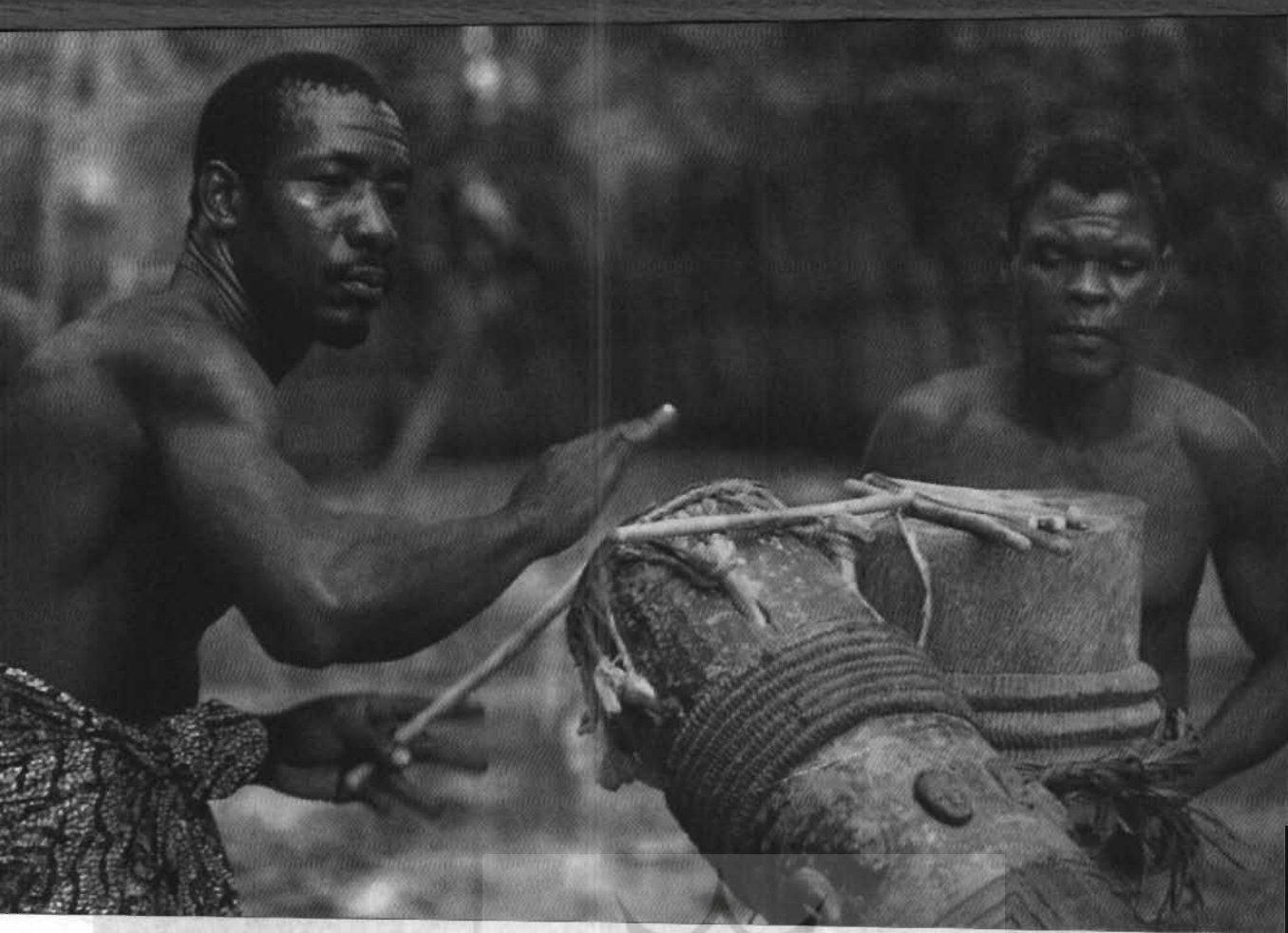
(Ocba Ben Nafi)، شخصیتی پیشرو در گسترش اسلام در مصر و شمال افریقا، رواج یافت. گفته اند که او پس از بنا نهادن پی های مسجد قیروان در تونس، نماینده ای به پایتخت واگادو (غنا امروزی) فرستاد تا از کایا ماغان (Kaya Maghan)، امپراتور آن دیار، بخواهد که به اسلام بگردد. این امپراتور پیشنهاد او را رد کرد، ولی به اتباعش، خصوصاً آنها که با ترکیه تجارت می کردند (تجارت الماس، خواجه و برده)، اجازه داد دین جدید را بپذیرند و اولین نوگرویدگان، مردم سونینکه بودند.

قرآن بلافاصله ترجمه شد، اول به زبان سونینکه و بعد به سایر زبانهای این کشور، به طوری که مردم می توانستند قرآن را از بر بخوانند و بدون دانستن زبان عربی، اعتقادات اسلامی را فرا بگیرند. امروزه هنوز هم این کار انجام می شود. به عبارت دیگر، اسلام با جوامع سنتی آمیخته شد، بدون اینکه فرهنگها و زبانهای سنتی را منهدم کند.

هنر سنتی نیز با معماری اولیه اسلامی درآمیخت. معماران، طرحهای قدیمی عبادت را با دین جدید وفق دادند و با استفاده از بانکو — خاک فشرده که با چهارچوبی از الوار عریان مستحکم شده — مساجدی با سبکی منحصر به فرد ساختند که به سبک «سودانی» مشهور است. یکی از قدیمی ترین مساجد در تومبوکتو است. طراح این مسجد، اسحاق التوجین (Ishaq el -Tuwedjin) بود که مانا موسا در راه زیارت مکه، در قاهره او را ملاقات کرد. مسجد جن (Djenne) که واقعاً از زیباترین مساجد است، در سال ۱۹۰۷ ساخته شده و از روی ساختمانهای مذهبی اولیه امپراتوری غنا، الهام گرفته است. این مسجد نیز نمونه ای از سبک سودانی رایج در سنگال شرقی، غنا و نیجریه است — معماران سودانی از تمام این کشورها دیدن کرده بودند.

گنبدهای تخم مرغی شکلی که به بالای مناره ها اضافه شده اند، نمونه دیگری از تلفیق ویژگیهای گوناگون در سبک سودانی است. مردم بامبارا بر این عقیده اند که در پیدایش هستی، اولین موجود افضل که آفریده شد یک تخم مرغ شگفت انگیز به نام فن (Fan) بود. داخل این تخم مرغ از نه قسمت تشکیل شده بود که خداوند، نه بخش اصلی حیات را در آنها جای داده بود. بنابراین، گنبدهای تخم مرغی شکل، نمادی از مذهب سنتی هستند که با مکان عبادت اسلامی پیوند خورده اند.

طرحی که برای بازی اکر دوکر، بازی همه گیر کودکان در سراسر دنیا، روی زمین کشیده می شود نیز به نه بخش تقسیم می شود. به نظر من نقش بازی ها در انتقال عقاید، نه تنها در افریقا بلکه در سراسر جهان، نباید نادیده گرفته شود. و بازیها به معنای موسیقی و ترانه هستند.



طی مراسمی در یک جنگل
نزدیک ابیجان (ساحل عاج)
پیامی با طبل فرستاده می‌شود تا
رسیدن رقاصان نقابدار اعلام گردد.

■ چرا؟

— زیرا استعمارگران دریافته بودند که طبل زدن نشانه در پیش بودن یک شورش است. زبان طبلها، رسیدن ارتش استعماری را اعلام می‌کرد. یک پیام می‌توانست یک شبه، ۵۰۰ کیلومتر سفر کند. برای مثال، در سال ۱۹۱۶، در جریان شورش «بوبو» در مالی، طبلها پیام لازم را تا مسافتی به دوری بورکینا بردند. آنها این پیام را می‌رساندند: «ای جنگجو ترکش‌ات را بردار و کمانت را فراموش نکن؛ حتی اگر به دست دشمن برخاک افتیم، باید بجنگیم.»

■ چه کسی می‌توانست این پیامها را بفهمد؟

— همه. تمام کسانی که به سن بلوغ رسیده‌اند زبان طبلها را می‌فهمند. انجمنهای جوانان، انجمنهای پاکشایی، گریوها — همه آنها طبل و سایر سازهای خود را دارند. مسلماً، علامتهایی رمزی وجود دارند که فقط تازه‌واردها می‌دانند. این علامتها چیزی شبیه به اسرار نظامی در جوامع امروزی هستند.

در سال ۱۹۶۵، وقتی من به یک دهکده سنوفو (Senoufo) در مالی رسیدم، یک توصیف موسیقایی سریع از من داده شد، به طوری که طبلها و بالافونها توانستند ورود مرا اعلام کنند. ظاهراً، آنها خصوصیات جسمی و اخلاقی مرا توصیف کردند. و آن یک نمایش به یادماندنی با عظمت بود. ■

